## سرخط

■ **فارس:** در پی اقدامات اطلاعاتی و تلاش‌های شبانه‌روزی سربازان گمنام امام زمان(عج) در قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف و تیپ تکاور انصارالرسول(ص) نیروی زمینی سپاه، دو نفر از عناصر مرتبط با سرویس‌های جاسوسی در استان کرمانشاه شناسایی و دستگیر شدند.

■ **ایرنا:** مسعود پزشکیان در سفری کوتاه به مشهد، به زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) مشرف شد؛ رئیس جمهور همچنین با حضور در رواق دارالذکر به مزار نورانی رهبر معظم و قائد شهید انقلاب ادای احترام کرد.

## یادداشت

**حمیدرضا شاه‌نظری**

### ایران فرسودگی هژمون امریکا را افشا کرد

۱- جنگ علیه ایران، قدرت واقعی ایران و امریکا را آشکارسازی کرد. سان‌تزو معروف‌ترین استراتژیست کلاسیک در کتاب «هنر جنگ» جمله‌ای دارد که شاید مهم‌ترین آموزه او باشد: «برترین هنر جنگ، شکست دادن دشمن بدون جنگیدن است.» امریکا طی قریب به نیم قرن دشمنی و استفاده از همه ابزارها و روش‌های دشمنی در تقابل با ایران به علت عظمت مردم ایران و رهبری الهی انقلاب اسلامی نتوانست این آموزه را محقق کند، اما فاجعه بزرگ‌تر این بود که حتی وقتی با تمام توان و با کمک همه متحدانش با ایران جنگید باز هم نتوانست «شکست ایران» را محقق کند و این، دقیقاً همان نقطه است که ابعاد واقعی قدرت ایران به عنوان یک قدرت جهانی و نه یک قدرت منطقه‌ای و امریکا به عنوان یک قدرت جهانی و نه یک ابرقدرت بلامنازع را آشکار ساخت.

۲- جنگ با ایران، اختلال ادراکی یک ابرقدرت رو به افول را نشان داد؛ اگر امریکا در ۴۰ روز عملیات «خشم حماسی» به اهداف خود رسید و مقامات مختلف آن، دقیقاً همین ادعا را تکرار کردند، پس چرا مجبور شد از طریق میانجی به یک توافق تن بدهد و چرا تنگه هرمز که امریکا پیش از جنگ گمان می‌کرد تهران «جرئت بستنش را ندارد» به برگ برنده ایران تبدیل شد؟ سناتور امریکایی کریس مورفی پس از یک جلسه توجیهی محرمانه فاش کرد که کاخ سفید «هیچ طرح عملیاتی برای بازگشایی تنگه هرمز» نداشت. این اعتراف، از زبان یک سناتور امریکایی، بیش از هر تحلیل بیرونی عمق بحران یک مدعی ابرقدرتی و عمق آشکارسازی ابعاد واقعی قدرت دو طرف درگیر را نشان می‌دهد؛ کشوری که ادعای هژمونی جهانی دارد در جنگ برای حیاتی‌ترین گلوگاه انرژی جهان سناریویی نداشت، چون پیش‌فرضش این بود که طرف مقابل «به سرعت تسلیم می‌شود!» این پیش‌فرض، نه یک خطای اطلاعاتی، که یک خطای هستی‌شناختی است. امریکا دیگر نمی‌توانست دنیا را آن‌گونه که هست ببیند، بلکه آن را آن‌گونه که دوست داشت تصور می‌کرد. امریکا برای دهه‌ها خود را ابرقدرت جهان فرض کرده و دهه‌ها سال برای این فرض تلاش کرده و از عنصر رسانه هم نهایت استفاده را کرده بود تا این انگاره را به بهترین نحو در افکار عمومی ملل جهان جا بیندازد. با این حال، این فرایند باعث شد که امریکا رفته‌رفته در تله تبلیغات خود افتاده و به مرور بین ادراکش از واقعیت و حقیقت آن واقعیت فاصله بیفتد. به این معنا که امریکا طی سال‌ها در اذهان مردم جهان با کمک هالیوود از خود یک قدرت بلامنازع ساخته بود که اراده‌اش بر هرچه تعلق بگیرد محقق می‌شود. این موضوع به خصوص در ادبیات ترامپ بسیار برجسته بود و به ویژه بعد از موفقیت در ربایش رئیس‌جمهور ونزوئلا و تحقق اهدافش در این کشور بدون برانگیختن کمترین مقاومتی، این اختلال ادراکی تشدید شد.

۳- جنگ علیه ایران، نشان داد دیگر هژمونی امریکا کار نمی‌کند. نتیجه جنگ علیه ایران صرفاً یک شکست نظامی نبود، بلکه یک افشاگری بود. افشاگری پایان هژمونی و سلطه امریکا. «برتری تسلیحاتی و قدرت نظامی» وقتی به «نتیجه سیاسی» و «تحمیل اراده» ترجمه نشود، در ادبیات راهبردی به معنای هدر دادن قدرت و پایان هژمونی است. سان‌تزو هشدار می‌دهد که «وقتی دستیابی به پیروزی بیش از حد طول بکشد، سلاح‌ها کند و روحیه‌ها فرسوده می‌شود.» و ترامپ در همان هفته‌های اول تهاجم به ایران، با علم به این فرسایش، شروع به صحبت از «پایان سریع جنگ» کرد البته نه از موضع قدرت، بلکه از موضع کسی که به قول «نشریه آتلانتیک» به دیوار سخت واقعیت خورده و در حال غرق شدن در جنگ علیه ایران است. او می‌داند و بهتر است بگوییم حالا به خوبی فهمیده است که ادامه جنگ نه ایران را به زانو درمی‌آورد و نه هزینه سیاسی‌اش را در داخل قابل تحمل می‌کند. اما توقف جنگ نیز به معنای پذیرش علنی این واقعیت است که اراده امریکا دیگر تعیین‌کننده نیست و او و بسیاری دیگر در امریکا این را نمی‌توانند بپذیرند یا دوست ندارند بپذیرند و با آن کنار بیایند. به همین دلیل فعلاً جنگ را ادامه داده و خواهند داد اما نه برای پیروزی، بلکه برای به تعویق انداختن اعتراف به شکست! در واقع، مسئله عمیق‌تر از روحیات شخص ترامپ و اراده اوست. با تغییر شرایط جهانی و آغاز نسیم تغییر نظم جهانی که هر لحظه به تندباد شبیه‌تر می‌شود، ساختار قدرت امریکا پس از دهه‌ها هژمونی به نقطه‌ای رسیده که نمی‌تواند بپذیرد هژمون نیست. هژمون واقعی نیازی به اثبات روزانه هژمونی خود ندارد و ساختارها به جای او کار می‌کنند. اما وقتی امریکا ناچار می‌شود هر روز با اقدامات محتاطانه نظامی و تهدید، برتری خود را «اثبات» کند، این خودش نشانه فروپاشی آن ساختار است. ایران با صبر و مقاومت، این فروپاشی را آشکار کرد. سیلی‌ای که ایران نواخت، صرفاً از جنس سیلی نظامی نبود بلکه از جنس آشکار کردن این حقیقت نادیده گرفته شده بود که پادشاه لخت است و دورانش به پایان رسیده است!

۴- امریکا دوباره دارد به صورت روزانه و تصاعدی تهدید به تهاجم گسترده و حملات شدیدتر می‌کند. این بار با تبلیغ پرحجم‌تر مبنی بر اینکه حملات علاوه بر اهداف مشابه قبلی علیه زیرساخت‌های انرژی نیز خواهد بود و از بمبی موسوم به «مادر بمب‌ها» نیز برای حمله استفاده خواهد کرد. بسامد مداوم کلیدواژه‌های «زیرساخت‌های انرژی» و «مادر بمب‌ها» ترسناک به نظر می‌رسد و دشمن هم دوست دارد از نظر ما ترسناک به نظر برسد. اما این نشان می‌دهد که در واقعیت، منطق تهدید عوض شده است. دیگر منطق آن، «می‌خواهم پیروز بشوم» نیست، بلکه «نمی‌توانم بپذیرم که شکست خورده‌ام» است و این تفاوت، واقعیت اصلی این مرحله است. اما اراده‌ای که بار اول با آن همه ضربه و آن همه هزینه نشکست، بار دوم هم نمی‌شکند. ملتی که علی‌رغم تقدیم بهترین عزیزان خود و در رأس آنها یک رهبر بی‌بدیل الهی، به پاخاست و دشمن را شکست داد، از چیزی نمی‌ترسد و نخواهد ترسید. یک هژمون واقعی که همه از او می‌ترسند، نیازی ندارد مدام اعلام کند «ممکن است دوباره دست به اقدام بزنم.» وقتی یک تهدید لاجرم بارها تکرار می‌شود، دیگر برای بازدارندگی نیست بلکه نشانه اضطراب گوینده است و این اضطراب، دقیقاً همان چیزی است که ایران می‌خواهد جهان آن را با تمام وجود ببیند. تهدید نظامی زمانی ابزار قدرت است که طرف مقابل باور کند هزینه تسلیم کمتر از هزینه مقاومت است. دروغی که در میان ملت ایران، جایگاهی ندارد. امریکا با هر تهدید جدید در واقع دارد به همه یادآوری می‌کند که ابزار نظامی‌اش دیگر کار نمی‌کند و دیگر یک هژمون و ابرقدرت نیست؛ یک نمایش تکراری و یک تلاش مذبوحانه و کسالت‌آور برای اثرگذاری! هیچ چیز برای یک قدرت بزرگ خطرناک‌تر از این نیست که علناً بی‌اثر به نظر برسد، چون از آن لحظه به بعد، دیگر کسی تهدیدهایش را جدی نمی‌گیرد و این لحظه پایان یک ابرقدرت است. امریکا در این جنگ، از آنچه می‌ترسید به سرش آمد و تصویر برساخته‌اش اصلاح شد و هرچه تلاش می‌کند تا از این واقعیت بگریزد و این تصویر را بازسازی کند فقط به تثبیت آن کمک می‌کند. علاوه بر آن، این جنگ تصویر عظمت ملت ایران، انقلاب اسلامی و مستضعفین حامی آن را نیز در چشم جهانیان اصلاح کرد و قدرت آنها را آشکار ساخت و به جهانیان نشان داد که تحقق وعده الهی رسیدن خلافت زمین به مستضعفین چگونه محقق خواهد شد.

**رئیس ستادکل نیروهای مسلح:**

# ترامپ ورود نظامی به خلیج فارس را در خواب ببیند

**گزارش**

**همزمان با تأکید رئیس ستادکل نیروهای مسلح بر جلوگیری از ورود شناورهای نظامی امریکا به خلیج فارس، گزارش نیروی دریایی سپاه از انفجار دو سوپرنفتکش متخلف در ساحل جنوبی تنگه هرمز و انتشار تصویری از افزایش قیمت نفت برنت به بیش از ۱۱۶ دلار از سوی سخنگوی سپاه، ابعاد نظامی و اقتصادی تقابل ایران با امریکا و رژیم صهیونیستی را در کانون توجه قرار داده است. در همین چارچوب، رئیس مجلس نیز با اشاره به اعتراضات در کشورهای مختلف، درباره تلاش برای منحرف کردن مطالبات عمومی از موضوعاتی همچون جنگ‌افروزی، جنایات غزه و فساد سیستمی هشدار داد.**

به گزارش تسنیم، سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) در پیامی با اشاره به شکست‌های پی‌درپی ارتش تروریستی امریکا در غرب آسیا گفت: «نیروهای مسلح پرافتخار ایران اسلامی با توکل به خداوند متعال توانستند نیروی دریایی امریکا را که ترامپ و سران آن کشور آن را قله اقتدار امریکا می‌دانند و با آن منطقه و جهان را تهدید می‌کنند، ناکارآمد سازند، به‌گونه‌ای که دیگر قادر به نزدیک شدن به دریاهای پیرامون خلیج فارس و آب‌های سرزمینی ایران نیستند. رئیس‌جمهور امریکا باید در خواب ببیند که نظامیان و ارتش آن‌ها بار دیگر وارد خلیج فارس شوند، آن‌ها این آرزو را برای همیشه به گور خواهند برد.»

سرلشکر عبداللهی تأکید کرد: «ما در هیچ شرایطی و در هیچ زمانی اجازه نخواهیم داد شناورهای نظامی امریکا وارد خلیج فارس بشوند. ترامپ بارها ادعا کرده است که تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اند، اما همزمان و مکرراً اظهار می‌دارند که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد و این تناقض‌گویی آشکار پایانی ندارد. اگر همه چیز را نابود کرده‌اید، پس تکرار این هذیان‌گویی چه‌معنایی دارد؟ این سخنان کاملاً بی‌معنا، متناقض و پرتکرار برای فریب افکار عمومی جهان و به‌ویژه مردم امریکا مصرف دارد. چنانچه مطمئن هستید که تمامی امکانات و توانمندی‌های نظامی ایران را از بین برده‌اید، پس چرا ناوهای زنگ‌زده و شناورها و نیروهای نظامی بزدل شما جرئت نزدیک شدن به تنگه هرمز، مرزهای دریایی و زمینی ایران را ندارند؟» سرلشکر عبداللهی تصریح کرد: «بی‌تردید با عزم راسخ رهبری شجاع و حکیم، اراده مردم مبعوث‌شده و مقاوم، نیروهای مسلح جان‌برکف و مسئولان ایران اسلامی بر این قرار گرفته است تا امریکا و مولود نامشروع آن رژیم صهیونیستی و ارتش‌های زبون و متجاوز شما را در باتلاقی که با دستان خود ساخته‌اید روز به روز بیشتر غرق کنند. به‌یاری خداوند متعال و نصرت الهی، راهبرد ایران قوی این است که هرچه این تقابل طولانی‌تر شود، شما را بیش از گذشته در باتلاق مرگ و زوال فرو ببرند.»

در ادامه تحولات مربوط به تنگه هرمز و پیامدهای اقتصادی تقابل نظامی، سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با انتشار تصویری، افزایش قیمت نفت را به رخ نفتکش‌های سوخته و کشورهای حامی جنگ علیه ایران کشید. در این تصویر، از ارقام افزایش قیمت نفت برنت به بالاتر از ۱۱۶ دلار استفاده شده و در پس‌زمینه آن، تصویر یک نفتکش سوخته در تنگه هرمز دیده می‌شود.

در پی ادامه جنگ چندجانبه دشمن امریکایی- صهیونیستی علیه ملت ایران، جمهوری اسلامی تنگه هرمز را به‌عنوان شریان اصلی انتقال انرژی جهان به‌صورت بسته و کاملاً تحت کنترل گرفته است. بر اساس توضیحات ارائه‌شده، تمام کشتی‌ها فقط با اجازه ایران حق عبور از تنگه هرمز را دارند و در صورت رعایت نکردن مقررات، از سوی نیروهای مسلح کشورمان مورد اصابت قرار می‌گیرند. در همین حال، دشمن امریکایی- صهیونیستی برای کنترل قیمت انرژی در جهان، مدعی عدم موفقیت ایران در کنترل تنگه است؛ اما نقشه‌های هوایی بین‌المللی، بنا بر این گزارش، نشان از کنترل کامل کشورمان بر این تنگه راهبردی دارند. در همین زمینه، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از انفجار دو سوپرنفتکش متخلف پس از برخورد با مین دریایی و رها شدن آن‌ها از سوی خدمه در ساحل جنوبی تنگه هرمز خبر داد. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرد: دو سوپرنفتکش متخلف که تلاش کردند از مسیر غیرمجاز و جنوبی تنگه هرمز عبور کنند، با برخورد به مین دریایی، موتورخانه آنها پس از انفجار و آتش‌سوزی شدید از کار افتاده و در جای خود متوقف شدند. در این اطلاعیه آمده است که این نفتکش‌ها در مجموع بیش از ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام حمل می‌کردند که پس از اصابت به مین دریایی در ساحل جنوبی تنگه هرمز رها شده و خدمه کشتی آنها را ترک کرده‌اند.

در کنار تحولات نظامی و اقتصادی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به اعتراضات در کشورهای مختلف، درباره تلاش برای تغییر جهت مطالبات عمومی و منحرف کردن افکار عمومی از موضوعات اصلی مورد اعتراض هشدار داد. رئیس مجلس در آستانه موج جدید اعتراضات در کشورهای مختلف دنیا، در حساب کاربری خود در فضای مجازی نوشت: سناریوی حاکمان در واکنش به اعتراضات امروز مردم دنیا این است که جهت و هدف اعتراضات مردم علیه حاکمان فاسد و جنگ‌افروز را به اعتراض مردم علیه مردم، به‌صورت افقی، تغییر دهند و سپس مردم را ملامت و سرزنش کنند. وی افزود: حقیقت و پیام اصلی مردم در واکنش به افشاگری‌های پرونده اپستین، جنایات غزه، جنگ ایران و فساد سیستمی است که همگی ناشی از عملکرد یک جریان واحد در رأس قدرت جهان است. رئیس مجلس در ادامه، درگیری‌های ساختگی مانند «مهاجران در برابر مردم بومی» را حاشیه‌سازی و عامل حواس‌پرتی توصیف کرد و نوشت: اجازه ندهید با تغییر موضوع، خود را از پاسخگویی و حسابرسی تبرئه کنند.

**قضائی**

**رئیس قوه قضائیه در نشست با جمعی از اقتصاددانان:**

# دشمن در جنگ تاب‌آوری ذهن مردم را میدان تیر کرده است

**رئیس قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت افزایش تاب‌آوری مردم در شرایط جنگی گفت دشمن در جنگ ترکیبی خود تلاش دارد به ساختارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی جامعه نفوذ کند و ذهن و اراده جمعی مردم را هدف قرار دهد؛ از این رو، تقویت تاب‌آوری عمومی باید در زمره اولویت‌های دولت و حاکمیت باشد.**

به گزارش خبرگزاری میزان، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، در نشست هم‌اندیشی با جمعی از اقتصاددانان کشور، بر ضرورت حل مسائل فوری اقتصادی، اتخاذ راهکارهای عاقلانه و توجه به اقتضائات شرایط جنگی تأکید کرد.

محسنی‌اژه‌ای با اشاره به اهمیت مسئله‌شناسی اقتصادی اظهار کرد هدف از برگزاری نشست با اقتصاددانان، کمک به دولت، حاکمیت و کشور است و حل بحران‌ها و شبه‌بحران‌های اقتصادی، ضرورتی اولویت‌دار محسوب می‌شود. وی با تأکید بر امکان بهبود حکمرانی گفت باید ضمن رفع معضلات فعلی اقتصادی، زمینه‌ها و منشأ شکل‌گیری آنها نیز مسدود شود. به گفته رئیس قوه قضائیه، در ارائه راهکارها باید از ایده‌آل‌گرایی فاصله گرفت و با توجه به شرایط داخلی و خارجی کشور، راه‌حل‌های عاقلانه و عملی ارائه کرد. رئیس دستگاه قضا، تورم، رکود، افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و نوسانات بازار ارز را از مسائل مزمن اقتصادی دانست و بر ضرورت چاره‌اندیشی فوری برای رفع آنها تأکید کرد.

وی افزود تصمیمات مربوط به کاهش تورم نباید به رکود، آسیب به تولید و افزایش بیکاری منجر شود. محسنی‌اژه‌ای، نادیده گرفتن جنگ و تحریم در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور را نادرست دانست و گفت در ارائه راهکارهای اقتصادی باید شرایط جنگ تحمیلی را نیز در نظر گرفت. وی با اشاره به جنگ وجودی با دشمن اظهار کرد رژیم صهیونیستی به تجزیه ایران نیز راضی نیست و نابودی کشور را دنبال می‌کند. رئیس قوه قضائیه همچنین با اشاره به تلاش‌های دشمن برای جلوگیری از شکل‌گیری و پیشرفت انقلاب اسلامی گفت باید ضمن بیان کاستی‌های داخلی، شرایط تحمیلی ناشی از اقدامات دشمن را نیز مدنظر قرار داد.

رئیس قوه قضائیه اختلاف‌نظرهای کارشناسی را امری معمول دانست و با اشاره به دیدگاه‌های متفاوت اقتصاددانان درباره تشکیل شوراهای عالی و نهادهای بالادستی اقتصادی، بر ضرورت آسیب‌شناسی عملکرد این نهادها تأکید کرد. وی گفت تشکیل نهادهای متمرکز بر امور اقتصادی از حدود ۱۸ سال پیش آغاز شده و باید بررسی شود که این نهادها تا چه اندازه در تحقق اهداف خود موفق بوده‌اند. به گفته محسنی‌اژه‌ای، در شرایط جنگ ترکیبی، اداره امور با روال معمول همیشه امکان‌پذیر نیست و گاهی به ساز و کارها و مجوزهایی برای تسریع فرایندها نیاز است. وی همچنین به اختلاف‌نظر کارشناسان درباره سیاست‌های بازار آزاد اشاره کرد؛ برخی با توسل به این سیاست‌ها در شرایط جنگی مخالف بودند و برخی دیگر معتقد بودند محدودیت‌های گذشته در برابر رویکرد بازار آزاد، بر وضعیت کنونی اثر گذاشته است. محسنی‌اژه‌ای بر ضرورت هم‌افزایی قوای سه‌گانه و اتخاذ آرایش جنگی تأکید کرد و گفت تصمیمات و اقدامات قوا باید مکمل یکدیگر باشند.

وی همچنین تصریح کرد سیاست‌ها و برنامه‌های مسئولان و حتی مردم باید با اقتضائات جنگی متناسب باشد و نمی‌توان در زمان جنگ، غیرجنگی عمل کرد. رئیس قوه قضائیه، اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی را بسیار مهم دانست و بر ضرورت حفظ و تقویت آن تأکید کرد. وی با اشاره به انتشار اخبار کمبودها و کاستی‌ها، این موضوع را مطرح کرد که چنین رویکردی تا چه اندازه به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند یا ممکن است اعتماد و امید مردم را تضعیف کند. محسنی‌اژه‌ای افزایش تاب‌آوری مردم در شرایط جنگی را مقوله‌ای راهبردی دانست و گفت دشمن در جنگ ترکیبی می‌کوشد با نفوذ به ساختارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی، ذهن و اراده جمعی مردم را هدف قرار دهد.

وی تأکید کرد افزایش تاب‌آوری عمومی باید در اولویت دولت و حاکمیت باشد. رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه مشکلات اقتصادی را نمی‌توان صرفاً به عملکرد یک دولت نسبت داد، گفت دستگاه قضا نیز مدعی عملکرد مطلوب در همه حوزه‌ها نیست، اما برای دستیابی به اهداف خود برنامه و راهبرد دارد. وی افزود دستگاه قضایی در حوزه مسائل اقتصادی مرتبط با امر قضا، از جمله بانک، بورس، زمین، گمرک، صادرات و واردات، برنامه مشخصی دارد و سند تحول قضایی نیز تاکنون چندبار به‌روزرسانی شده است. به گفته وی، روزآمدسازی جدید این سند نیز در دستور کار قرار دارد.

**تحلیل**

**فاطمه بصیری**

# وقتی که تروریست‌ها پیاده‌نظام جنگ اقتصادی می‌شوند

مهار گروهک‌های تروریستی و جاسوسی به عنوان یکی از وجوه جنگ ترکیبی علیه ایران، پس از جنگ و در ماه‌های اخیر با تشدید تحرکات تروریست‌های برانداز و تجزیه‌طلب شتاب گرفته است. روز گذشته سربازان گمنام امام زمان (عج) در قرارگاه نجف اشرف و تیپ انصارالرسول (ص) نیروی زمینی سپاه از شناسایی و انهدام یک تیم دو نفره وابسته به سرویس‌های جاسوسی بیگانه در غرب کشور خبر دادند. بر اساس این خبر، در جریان عملیاتی که پس از رصد تحرکات مرزی و منطقه‌ای و با اتکا به اشراف اطلاعاتی انجام شد، از افراد این تیم محموله‌ای شامل تجهیزات ارتباطی و تسلیحاتی کشف و ضبط شد. در این عملیات نیز ۱۰ دستگاه اینترنت ماهواره‌ای استارلینک، ۱۰ قبضه سلاح کلاشینکف و ۵ هزار فشنگ جنگی به دست نیروهای سپاه افتاد. علاوه بر آن، در عملیات پیشدستانه سپاه، یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع گروهک تروریستی پژاک زیر ضرب عملیاتی قرار گرفت. سپاه با رصد اطلاعاتی مطلع شد که اشرار با فراخوان فرماندهان یکی از تیم‌ها قصد اجرای اقدامات عملیاتی دارند. بنابراین، با اتخاذ تدابیر عملیاتی و در اوج غافلگیری، نقاط حضور آنان منهدم کرد. گفتنی است، منطقه‌ای که در آن عملیات صورت گرفته از نقاط استراتژیک گروهک تروریستی تجزیه‌طلب بوده که اغلب جلسات مهم و برنامه‌های آموزشی در آن برگزار می‌شد و همواره محل تردد و حضور اشرار تروریستی می‌باشد. این اقدامات نشان می‌دهد که ایران برای مقابله با تهدیدات امنیتی، اشراف اطلاعاتی دارد. نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نظامی ضمن اینکه تمام تمرکز خود را روی دشمن امریکایی و صهیونیستی قرار داده‌اند اما از پادوهای منطقه‌ای و کشورهای تأمین‌کننده آنها غافل نیستند و تحرکات آنها را به دقت تحت نظر دارند. همان‌طور که عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس طی روزهای گذشته با تأکید بر وجود اسناد اطلاعاتی درباره حمایت برخی کشورهای منطقه از گروهک‌های ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، هشدار داد، ایران با این گروهک‌ها و حامیان آن‌ها قاطعانه برخورد خواهد کرد.

**■ تروریست‌ها پیاده‌نظام جنگ اقتصادی**

تحرکات تروریست‌های نیابتی نشان می‌دهد که امریکا از آن‌ها برای اهداف چندگانه استفاده می‌کند. حمله چند روز گذشته انتحاری و مسلحانه گروهک تروریستی سرمچاران به ساختمان گمرک و تاسیسات لجستیکی پاکستان در نزدیکی مرز ریمدان واقع در کریدور اقتصادی چین و پاکستان، در چهارچوب ناتوان‌سازی ایران و حتی چین برای دور زدن محاصره دریایی و تحریم‌ها تعبیر می‌شود. این اقدام در حالی صورت گرفت که گذرگاه مرزی به تازگی پس از رایزنی‌های دیپلماتیک بازگشایی شده بود و ایران برای دور زدن محاصره به سمت فعال‌سازی مسیرهای زمینی از جمله گوادر و گذرگاه‌های گبد و تفتان حرکت کرده بود. بنابراین، این رویداد نشان می‌دهد که امریکا تلاش دارد از گروهک‌های تروریستی برای اهداف چندگانه‌ای همچون ایجاد تهدیدات اقتصادی برای ایران و حتی چین هم بهره ببرد.

هرچند در برهه کنونی مبادلات با محدودیت همراه شده، از نظر امریکا از بین رفتن هر نوع امکان تبادلات مرزی، به خصوص در بحث انرژی می‌تواند گزینه‌های ایران را به طور پایدار محدودتر کند. در واقع، امریکا از تروریست‌ها فقط برای ایجاد ناامنی و تهدیدات داخلی استفاده نمی‌کند، بلکه تلاش دارد که از ظرفیت آن‌ها برای اهداف بلندپروازانه‌تری چون تخریب مسیرها و شریان‌های اقتصادی بین‌مرزی بهره ببرد، به ویژه که الگوی حمله به گمرک گوادر پاکستان در مرز ایران می‌تواند در مرزهای شرقی و شمالی هم تکرار شود.

اقدامات مهارکننده ایران، گروهک‌ها را اجباراً به سمت تولید اخبار ساختگی کشانده است. برخی صفحات اینستاگرامی وابسته به گروه تروریستی پژاک در روزهای اخیر اخباری را مبتنی بر تصرف یک پایگاه نظامی در مریوان به دست گروهک پژاک منتشر کردند. در حالی که بررسی‌های کارشناسان آن را خبری جعلی با هدف دستاوردسازی می‌داند. پس از ضربات سنگین اخیر به مقرات پژاک، این گروهک به خیال‌پردازی عملیاتی و تولید اخبار فیک روی آورده است و نمونه مضحک مشابه آن، خبر جعلی حمله منافقین به ساختمان قوه قضائیه با هوش مصنوعی است.

## گزیده خبر

**رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس قوه قضائیه تأکید کردند**

### افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و مبارزه با فساد

**رئیس قوه قضائیه با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد.**

به گزارش رسانه رهبر انقلاب، در این دیدار بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام از طریق گسترش عدالت و تأمین حقوق عامه و مبارزه اثرگذار با فساد و گلوگاه‌های آن، رسیدگی سریع و توأم با دقت و قاطعیت و اجرای بموقع و بازدارنده احکام، تحول همه‌جانبه و ملموس در دستگاه قضایی، استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین در مسائل مهم، به‌ویژه نظارت بر حسن اجرای قوانین و انجام بازرسی‌های مستمر و یاری‌رسان به مدیریت سازمان‌ها و نهادها، رسیدگی به ترک فعل‌های منتهی به جرم، تلاش و برنامه‌ریزی در جهت مبارزه قاطع با جرم و جنایت و از بین بردن زمینه‌های تخلف با همکاری دستگاه‌های مسئول و جدیت در استیفای حقوق و خسارات مادی و معنوی ناشی از جنایات مجرمان امریکایی-صهیونی تأکید شد.

در ابتدای این دیدار، آقای محسنی اژه‌ای گزارشی از برنامه‌های دوره جدید قوه قضائیه، از جمله به‌روزرسانی سند تحول قضایی و شتاب‌بخشی به هوشمندسازی امور با هدف صرفه‌جویی در زمان رسیدگی، کاهش هزینه‌ها، اتقان احکام و ارتقای سلامت کارکنان قوه قضائیه ارائه کرد.

## یادداشت

### اعتراضات اروپا و ابطال شرق‌شناسی غربی‌ها

**سیدعبدالله متولیان**

کارشناس سیاسی

شرق‌شناسی یک رویکرد مطالعاتی و به تعبیری مکتبی است که طی آن، غربی‌ها تلاش کرده‌اند نگاه خود به جوامع شرقی را ارائه کنند. در شرق‌شناسی غربی‌ها، شاهد ایجاد یک دگرسازی از شرق هستیم که طی آن، جوامع شرقی به عنوان جوامعی گرفتار در خرافات، فاقد خلاقیت، احساسی، عاطفی، غیرعقلانی، اسیر گذشته و ناتوان از درک آینده، ایستا و فاقد قدرت اصلاح درونی تصور می‌شوند. انسان شرقی در این رویکرد فاقد قدرت شناخت، در مرحله پیشامدرن، در مرحله پیشاتجربی (معتقدند انسان شرقی هنوز در مرحله nowledge قرار دارد و هنوز به مرحله science نرسیده است)، دچار عدم‌بلوغ و حتی وحشی است.

نکته مهم در ارتباط با تصویرسازی غربی‌ها از شرق و انسان شرقی آن است که در طول زمان، این تصویرسازی به یک گفتمان تبدیل شده است که طی آن، شرقی وحشی و غیرمتمدن برساخته شد و دگرِ غرب قرار گرفت. بنابراین، شرق به ابزاری برای خودفهمی، اتقان هویتی و تثبیت غرب تبدیل شد. در همین راستا، در شرق‌شناسی، با حاکمیت الگوی تحول خطی یا نگرش داروینی، باتوجه به ویژگی‌های ذاتی‌ای که برای جوامع و انسان‌های شرقی در نظر گرفتند، اصالت و برتری غرب به صورت آرمانی تصویر شد. بنابراین، جوامع شرقی، جوامعی تصور شدند که اولاً ناتوان از شناخت قواعد و مسیر توسعه خود هستند و ثانیاً لاجرم باید تاریخ و آینده خود را براساس تاریخ تحولات غرب توضیح داده و ترسیم کنند. بر همین اساس، تقلید از غرب، نه تنها سرنوشت محتوم جوامع شرقی، بلکه حتی نسخه مطلوبی برای آن‌ها محسوب می‌شود. هرچند به لحاظ نظری، شرق‌شناسی غربی‌ها به طور جدی از جانب «پساساخت‌گرایان» نقد و رد شده است، اما نکته مهم در این میان آن است که آن تصویری که غربی‌ها در قالب شرق‌شناسی، از جوامع و بشر شرقی ارائه داده‌اند، نه تنها تصویری غلط و حاوی انواع و اقسام سوگیری‌های هدفمند است، بلکه اتفاقاً برخی رفتارهای اخیر در جوامع پیشرفته غربی حکایت از آن دارد که گویا متفکران شرق‌شناس غربی باید مصادیق ویژگی‌ها و رفتارهایی که آن‌ها به جوامع و بشر شرقی نسبت داده‌اند، بیش از پیش در خود جوامع غربی و در رفتارهای بشر غربی جست‌وجو کنند.

الگوی رفتاری غربی‌ها در جریان همه‌گیری ویروس کرونا از مهم‌ترین مواردی بود که در آن، ادعاهای شرق‌شناسان را زیر سؤال برد. هرچند پیش از این و در طول قرن‌های گذشته، نمونه‌های متعددی را می‌توان نام برد که در آن، غربی‌ها به طرز وحشیانه‌ای برخورد کرده‌اند، مانند قتل عام بومیان امریکا، بعد از کشف این قاره توسط اروپایی‌ها و هجوم به آن یا انواع و اقسام جنایت‌هایی که در قالب استعمار علیه ملت‌های سایر نقاط جهان مرتکب شده‌اند. با این حال، در ارتباط با نوع رفتار آن‌ها در جریان همه‌گیری کرونا، به ویژه در ماه‌های ابتدایی این همه‌گیری، در موارد متعددی، آن‌ها رفتارهایی داشتند که پیش از این، آن‌ها را مختص جوامع شرقی می‌دانستند. مانند ارائه توصیه‌های غیرمنطقی به مردم برای مقابله با کرونا مانند توصیه رئیس‌جمهور وقت امریکا مبنی بر خوردن مواد شوینده برای جلوگیری از ابتلا به کرونا، توزیع ماسک‌ها و کیت‌های تشخیص تقلبی در میان کادر درمان در امریکا، تبعیض در رسیدگی به بیماران، به‌ویژه سیاه‌پوست‌ها و افراد کهنسال و همچنین، سرقت ماسک. تکرار این الگوی رفتاری در همان برهه در انگلیس و در ماجرای کمبود سوخت در این کشور شاهد بودیم، به گونه‌ای که برخی شهروندان این کشور علاوه بر درگیری در صف بنزین و کشیدن چاقو بر روی همدیگر، با روی آوردن به اقداماتی مانند ریختن بنزین در نایلون به اقداماتی روی آورده‌اند که اگر شبیه آن در کشوری مانند ایران انجام می‌شد، دستگاه‌های تبلیغاتی همین انگلیس، هزاران جور تحلیل و فلسفه‌بافی در مورد آن انجام می‌دادند. در همین زمینه باید به برخی رخدادها مانند حمله به فروشگاه‌ها و سرقت کالاها در اعتراض‌های جاری در ایتالیا و فرانسه اشاره کرد؛ رخدادهایی که اگر شبیه آن‌ها در ایران اتفاق بیفتد، بدون توجه به شرایط خاص ایران، به هر بهانه و تحلیلی متوسل می‌شوند آن را ناشی از اموراتی چون فرهنگ، مذهب و حکومت مردم ایران و بنابراین، ذاتی آن‌ها بدانند. با توجه به آنچه گفته شد، در نقد رویکرد شرق‌شناسانه غربی‌ها می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱. الگوی رفتاری غرب با جوامع شرقی، به‌ویژه ایران، همواره آمیخته با تحریف واقعیت‌ها بوده است، اما همین روایت تحریفی، مبنای نگاه و اقدام غربی‌ها در مقابل ما بوده است. بنابراین، اگر در رسانه‌های غربی، تلاش می‌شود تصویری کانالیزه و خاص از ایران و درواقع، تصویری که تحکم‌بخش و هم‌راستا با سیاست دولت‌های غربی در قبال ایران است، ارائه شود. باید دقت داشت که اساس رویکرد آن‌ها در مواجهه رسانه‌ای با ایران، مبتنی بر روایت‌های شرق‌شناسانه و تحریف‌وار است.

۲. آنچه آن‌ها به ملت‌های دیگر و، از جمله ملت ایران نسبت می‌دهند، مختص و ذاتی ما نیست که اگر این گونه بود، براساس تصویری که آن‌ها از خود ساخته‌اند، باید همواره به مثابه انسان‌هایی نجیب و الگو رفتار می‌کردند، حال آنکه موارد متعددی مانند آنچه در بالا اشاره شد، دال بر نقض این تصویرسازی آرمانی از آن‌ها وجود دارد.

۳. نکته دیگر آن است که اشتراکات رفتاری انسان‌ها همواره بیشتر از افتراقات آن است. درواقع، رفتارهایی مانند آنچه امروزه در حمله به فروشگاه‌ها در ایتالیا و فرانسه انجام می‌شود، برخاسته از غریزه ترس و احساس کمبود است و خیلی از انسان‌ها وقتی در این گونه شرایط قرار بگیرند، مبتنی بر آن غریزه رفتار می‌کنند.

به عنوان نکته پایانی باید گفت که دشمن در جنگ روایت‌ها، با تمرکز بر تحریف واقعیت‌های مرتبط با ایران، با رویکرد شرق‌شناسانه خود درصدد است با تصویرسازی منفی از ایران، جامعه، نخبگان و مسئولان ایرانی را دچار انفعال سازد. شکستن روایت تحریفی دشمن از ایران و تلاش برای نمایاندن تناقض‌های دشمن در این روایت‌سازی، امروز رسالتی همگانی است. درواقع، برای بالنده شدن حیات جامعه ایرانی در حوزه‌های مختلف، ابتدا باید حیات ذهن و روان جامعه ایرانی را از سم‌پاشی‌های بیگانگان پاک‌سازی کرد تا نهال‌های خودباوری و ما می‌توانیم در آن به طور جدی روییدن خود را احیا کند.